

ثمره معنوی «عمره» با توجه به معنای لغوی آن

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۸

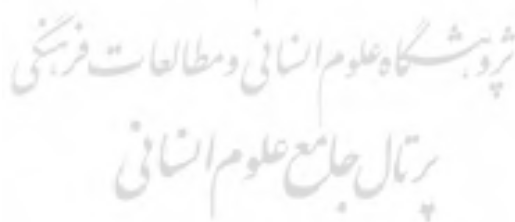
سید محمود طیب حسینی^۱، نسرين انصاریان^۲

^۱دانشیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

^۲طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، در حال تدوین رساله علمی، دانشگاه جامعه الزهراء (سلام الله علیها)

نویسنده مسئول:

نسرين انصاریان



چکیده

یکی از عبادات مسلمانان حج و عمره است که به طرق مختلف به ثمرات معنوی آن اشاره شده یکی از طرقی که کمتر به آن پرداخته شده بررسی لغوی آن است؛ این نوشته به دنبال اثبات این نظریه است که عنوان «عمره» اشاره‌ای به آثار معنوی این عبادت دارد این پژوهش با روش گردآوری کتابخانه‌ای و با پردازش توصیفی تحلیلی انجام شد؛ ابتدا معنای لغوی «ع م ر» از کتب لغت و اشتقاقیات آن در استعمالات عرب ذکر شد سپس استعمالات آن در آیات الهی بررسی گردید دست‌آورد تحقیق این شد که ریشه اصلی آن به معنای آبادانی است و این معنا در تمامی اشتقاقیات اسمی و اسنادی آن وجود دارد؛ دقت در آیاتی که به نوعی به این مناسک مرتبط هستند می‌رساند که آبادانی در واژه «عمره» برای مفعول به یعنی بیت الله الحرام با آباد کردن آن به وسیله انجام اعمال عبادی و برای فاعل پیشرفت معنوی در سایه عبادت خالصانه است.

کلمات کلیدی: «عمره»، «آبادانی»، «بیت الله»، «عبادت»، «تقوا».

مقدمه

عبادت از نیازهای فطری بشر است از این رو همواره در گذر تاریخ بشریت سخن از عبادت انسان بوده هر چند در زمان یا مکان خاصی عبادت به طریق ناصحیح انجام شده است.

«حج و عمره» از جمله عبادات دیرینه انسان است که هر چند برخی پیشینه آن را زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می-دانند ولی در برخی دیدگاه‌ها این عبادت از زمان حضرت آدم (علیه السلام) انجام می‌شده، بنابر این در عصر جاهلیت قبل از اسلام نیز «حج و عمره» به عنوان یک عبادت مطرح بود حتی مشرکان آن را انجام می‌دادند هر چند موارد شرک آلود و عقائد منحرف خود را نیز در آن وارد کرده بودند اما پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با طلوع اسلام و بر اساس قوانین الهی ضمن پذیرش اصل عبادی بودن «حج و عمره» به پالایش نشانه‌های شرک و بت پرستی در آن پرداخت به طوری که این مناسک توسط شخص ایشان و امامان (سلام الله علیهما) انجام می‌شده و روایات ائمه (سلام الله علیهما) در راستای ثواب انجام این اعمال و ثمرات معنوی آن حاکی از ارزش و اهمیت بالای این عبادت است که در این زمینه نویسندگان آثار و نوشته‌های ارزشمندی را به رشته تحریر در آورده‌اند.

یکی از راه‌هایی که می‌توان اهمیت و ثمرات معنوی این عبادت را اثبات کرد توجه به ریشه لغوی دو واژه «حج و عمره» است که بررسی و جستجو در آثار نویسندگان و قرآن پژوهان حاکی از آن است که به این مطلب کمتر پرداخته شده از این رو در این مقاله به بیان معنای اصلی «عمره» و شرط لازم جهت تحقق این معنا با استفاده از آیات و کلام مفسران پرداخته می‌شود. اهمیت بحث این است که با وجود اینکه سالانه هزاران بلکه میلیون‌ها نفر مسلمان به انجام مناسک عمره و حج می‌پردازند اما اغلب با معنای این واژه در فرهنگ عرب و اسلام آشنایی کافی ندارند به طوری که تصور اولیه از مصطلح «عمره» تنها «زیارت خانه خدا با انجام اعمالی مخصوص» است، این تصور به دلیل توجه به اعمال ظاهری «عمره» است و چه بسا معنای ریشه «ع م ر» در کلام لغویان و مفسران مفاهیم دقیق تری را به انسان بفهماند.

در باب پیشینه بحث قرآن پژوهان و اندیشمندان اسلامی از صدر اسلام تاکنون آثار فراوانی پیرامون «حج و عمره» از خود به جا گذاشته‌اند در لابلای برخی کتاب‌ها مانند «الاعجاز فی القرآن طریق الی الایمان ص ۲۱۰»، «بیان المعانی، ج ۶: ۱۶۷»، «نفحات القرآن، ج ۱۰: ۲۴۶»، «تفسیر البیان الصافی لکلام الله الوافی، ج ۵: ۳۲۲»، «با قرآن در مکه و مدینه، ص ۱۱۳» و ... پیرامون موضوع عمره بحث شده و تا حدودی به معنای عمره نیز پرداخته شده است.

کتاب‌هایی نیز به صورت مستقل پیرامون حج و عمره نوشته شده از جمله کتاب «حج و عمره در قرآن و حدیث» نوشته محمد محمدی ری شهری، که «دار الحدیث» آن را به چاپ رسانده، در این کتاب با بهره‌گیری از آیات و روایات در سه بخش با عناوین مکه مکرمه، حج و عمره، و مدینه منوره به بیان مطالبی پیرامون این عبادت پرداخته شده است.

کتاب دیگر «حج و عمره در آینه فقه مقارن» نوشته محمد علی مقدادی است که انتشارات «مشعر» آن را به چاپ رسانده و نویسندگان در این کتاب برخی از موارد فقهی مورد اختلاف را بیان کرده است.

هر چند آثار ارزشمندی پیرامون «عمره، اهمیت، آثار و مناسک آن» نوشته شده ولی پیرامون «علت مصطلح شدن لفظ عمره» برای این عبادت و «آثار تحقق این معنا در آموزه‌های قرآن» سخنی گفته نشده است از این نوشته در صدد پرداختن به این مطلب است، گام‌های رسیدن به این امر پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است.

معنای اشتقاق «ع م ر» در استعمالات زبان عرب چیست؟

معنای اشتقاق «ع م ر» در استعمالات قرآن چیست؟

در آیات الهی شرط اساسی برای تحقق معنای واقعی «عمره» چیست؟

۱. مفهوم شناسی واژه «عمر»

لغویان دو واژه «عمر» و «خرب» را نقیض هم می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۶). واژه «خرب» در لغت به معنای ویرانی و انهدام است (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۴۷). بنابر این جمع بندی نظرات لغویان این می‌شود که واژه «عمر» به معنای آباد کردن بوده و ترقی و پیشرفت از لوازم این آبادانی است.

معنای اصطلاحی عمره در نزد فقهاء «اعمال شرعی خاصی گفته است که در مکه و میقات به منظور زیارت خانه خدا انجام می‌شود» (مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه).

به نظر می‌رسد رابطه معنای لغوی و اصطلاحی «عمره» عام و خاص است زیرا معنای لغوی آن مطلق بوده و شامل هر نوع آبادانی می‌شود اما معنای اصطلاحی آن خاص بوده و مراد آبادانی حاصل از انجام این منسک الهی است این نوشته به دنبال واضح کردن این نوع آبادانی است.

۲. اشتقاقیات «ع م ر» در استعمالات عرب

برخی استعمالات ریشه «ع م ر» مانند ریشه‌های دیگر اسنادی و برخی اسمی هستند:

۱.۲. استعمالات اسنادی

اگر اشتقاق واژه «عمر» به نوعی دارای اسناد باشد معنای آبادانی و ترقی که معنای اصلی آن است در برخی موارد برای مفعول به و در برخی موارد برای فاعل است.

در حالت اول که ترقی برای مفعول به بوده و فاعل خداوند است مفعول به گاهی غیر جاندار است مانند «عَمَرَ اللَّهُ بَکَ مَنْزِلَکَ» که در این صورت مراد این است که خدوندنا به منزل تو برکت و آبادانی دهد که بیشتر جنبه دعائی دارد (نک: ابو عبید، ۱۹۹۰، ج ۲: ۵۷۳). گاهی نیز مفعول به جاندار است مانند «عَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهَ نُوْحًا (علیه السلام)» یعنی خدا عمر نوح نبی را طولانی کرد (نک: حیدری، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹). از این مثال می‌توان این گونه برداشت کرد که داشتن عمر طولانی یک برکت و ارزش است.

در حالت اول که ترقی برای مفعول به بوده و فاعل انسان است مانند «عَمَرَ النَّاسُ الْأَرْضَ» یعنی انسان مکانی را آباد کرد به گونه‌ای که موجب ترقی و بالا رفتن ارزش آن مکان شد (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۷). البته نوع آبادانی و ترقی در مکان با توجه به شئون آن مکان است لذا مراد از آبادانی مکان‌های مقدس عبادت در آنهاست پس مراد از «عَمَرَ الْمُؤْمِنُونَ مَسْجِدَ الْمَنْطِقَةِ» استمرار نماز در آن و اعتنا به شئون آن است (نک: حیدری، ۵۱۸، ۱۳۸۱).

در حالت دوم که ترقی برای فاعل است مانند «عَمَرَتِ رَبِّي» یعنی عبادت کردم پروردگام را (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۰۱ و ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۹۷).

مؤید این که آبادانی و ترقی برای فاعل است این که لغویان معتقدند که «رَجُلٌ عَمَّارٌ» یعنی کسی که نماز و روزه فراوان به جا می‌آورد و فائده آن این است که فرد دارای ایمانی ثابت و قوی می‌گردد (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۰۱).

نتیجه این که در استعمالات زبان عرب که واژه «عمر» و مشتقات آن دارای اسناد است معنای ترقی و آبادانی به نحوی از انحاء در فاعل یا مفعول به مشهود است.

۲.۲. استعمالات اسمی

حالت دوم در استعمالات «عمر» در زبان عرب هنگامی است که به صورت اسمی و بدون اسناد استعمال شده که حاصل بررسی اشتقاقیات آن در زبان عرب الفاظ زیر است:

(الف) «عَمَرَ» به معنی «نخل مرغوب» (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۷ و ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۴۰) در این صورت ارزش و برتری آن مشخص است.

(ب) «عَمَّارٌ» به معنی کلاه و تاجی که رئیس بر سر می‌گذارد (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۰۱). استعمال این واژه نیز نشانه ریاست و برتری شخص است.

(ج) «عُمُرٌ» که لغویان آن را «مدت زندگی» و «حیات» معنا کرده‌اند (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۰۱). به نظر می‌رسد ارتباطی که بین «عُمُرٌ» به معنای «حیات» و ریشه «عمر» به معنای ترقی و آبادانی می‌توان برقرار کرد این است که انسان می‌بایست از فرصتی که به نام «عمر» به او داده شده در راه ترقی و پیشرفت خود استفاده کند.

(د) «عمره» که برخی لغویان آن را به معنای زیارت (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۶) و برخی «قصد» معنا کرده‌اند ولی نه «قصد به صورت مطلق»، بلکه «قصد زیارت بیت الله الحرام» (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۰۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۶).

به نظر می‌رسد ارتباط بین «عمره» به معنای «زیارت بیت الله الحرام» و ریشه «عمر» به معنای ترقی و آبادانی به دو صورت قابل تصور است:

- عمران و ترقی به مفعول به برگردد که در این صورت مراد این است که «عمره» باعث آباد شدن بیت الله الحرام است (نک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳).

- عمران و ترقی به فاعل برگردد که در این صورت مراد این است که انجام عمل «عمره» موجب قرب الهی و ترقی معنوی عمره کننده می‌شود (نک: ابو جیب، ۱۴۰۸، ص ۷۷).

همان گونه که ملاحظه می‌شود در تمامی اشتقاقات ریشه «ع م ر» در زبان عرب به نوعی معنای آبادانی و ترقی بروز دارد.

۳. استعمالات «ع م ر» در قرآن

در قرآن نیز مانند استعمالات عرب اشتقاقات ریشه «ع م ر» به صورت اسنادی و اسمی وجود دارد.

۳.۱. استعمالات اسنادی

حالت اول از استعمالات ریشه «ع م ر» در قرآن استعمالات اسنادی است این اسنادها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد دسته اول مواردی است که مراد از «عمر» انجام عمره نیست و مورد دوم مراد انجام عمره است.

در حالت اول در این اسنادها فاعل گاهی خدا و گاهی انسان است.

الف) در موردی که فاعل خدا است می‌توان به دو آیه اشاره کرد آیه اول: «وَمَنْ نُعْمِرْهُ نُكَسِّهُ فِي الْخَلْقِ...» (یس: ۶۸) «و هر که را عمر طولانی دهیم خلقتش را دگرگون می‌کنیم...»

سخنان گفته شده در سطور سابق که ارتباط معنایی «عمر» و مدت حیات با معنای اصلی «عمر» که آبادانی است این است که انسان می‌بایست از عمرش برای ترقی و آبادانی خود استفاده کند در اینجا نیز صادق است مؤید ادعا این که مفسران در تفسیر آیه آورده‌اند که با زیاد شدن سن به هر اندازه قوای انسانی تحلیل رود میزان درک و هوشیاری انسان نیز کاهش می‌یابد پس انسان از عمری که خدا به او داده می‌بایست به نحو احسن استفاده کند (نک: مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۲۱ و حقی بروسوی، بی تا، ج ۷: ۴۲۸). مفسری در تأیید مطلب این مثل را آورده «من فقد حسا فقد علما» (نک: صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۸۱).

آیه دوم از موارد اسنادی «عمر» در قرآن که فاعل آن خداوند است آیه زیر است «...أَوْ لَمْ نُعْمِرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرُ...» (فاطر: ۳۷) «...آیا شما را چندان عمر ندادیم که هر کس تذکرپذیر است در آن (مدت) متذکر شود...»

مفسران در تفسیر آیه آورده‌اند انسان باید در فرصتی که خدا به عنوان «عمر» به او داده به دنبال اصلاح شئون و تلاش در جهت ترقی دادن عقائد و اعمالش باشد (نک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۴: ۵۴۸ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۶۱۵).

به نظر می‌رسد از عبارت «مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرُ» در ادامه آیه بتوان استفاده کرد که هدف از عمر و مدت حیات انسان پند پذیری و عبرت‌گیری از حوادث زندگی است که انسان بتواند از آن در راه سازندگی خود بهره گیرد.

ب) در موردی که فاعل انسان باشد می‌توان به این آیه اشاره کرد: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ...» (توبه: ۱۸) «مسجدهای خدا را تنها کسی تعمیر می‌کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته و نماز بپا دارد و زکات دهد و جز از خدا نترسد»

سه احتمال برای عبارت «يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» در آیه متصور است یا از عمارت به معنای ساختن بناء است یا از «عمرت بمکان» به معنای «اقامت کردن» یا از عمره به معنی عبادت (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۱).

مورد اول صحیح نیست زیرا در آیه حصر به وسیله «انما» و «من» موصوله آمده که بیانگر عموم مؤمنان است در صورتی که اکثر مؤمنان هرگز مسجدی بنا نکردند (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۱۱ و رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۲۰۶). مورد دوم نیز صحیح نیست زیرا در عالم خارج امکان اقامت همه مؤمنان در مساجد وجود ندارد پس ترقی و آباد کردن مسجد با انجام عبادات در آن صورت می‌پذیرد.

حالت دوم از موارد اسنادی ریشه «ع م ر» در قرآن انجام عمره است که در آیه زیر به آن اشاره شده «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...» (بقره: ۲۸) همانا صفا و مروه دو نمونه از نشانه‌های خدا است پس هر کس حج خانه و یا عمره بجای آورد میتواند میان آن دو، سعی کند...» که به این مورد در سطور آینده پرداخته خواهد شد.

۲.۳. استعمالات اسمی

حالت دوم از استعمالات ریشه «ع م ر» در قرآن هنگامی است که به صورت اسمی و بدون اسناد به کار رفته است؛ همان گونه که بیان شد در استعمالات عرب واژه «عمر» به معنای درخت نخل و «عمار» به معنی کلاه و تاج به کار رفته بود اما این واژه‌ها در قرآن استعمال نشده از این رو واژگان اسمی استعمال شده در قرآن موارد زیر است:

الف) واژه «عمر» در آیات یونس: ۱۶ و شعراء: ۱۸ و فاطر: ۱۱ برای مدت حیات و عمر انسان استعمال شده است و مراد از آن مدت زمان همراهی روح با جسم است که در این مدت انسان فرصت ترقی و تعالی روح خود را دارد (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۱).

ب) واژه «المعمور» در آیه «وَأَلْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» (طور: ۴) «و سوگند به خانه‌ای (که همواره) آباد است» پیرامون مراد از «بیت المعمور» در این آیه نظرات متفاوتی از سوی مفسران بیان شده از جمله:

- مراد از «بیت معمور» کعبه است زیرا اولین خانه‌ای بود که برای عبادت مردم بنا شد (نک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۳۳ و طبری، ۱۳۵۶، ج ۱: ۵۹ و طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۶).

- بیت معمور خانه‌ای مقابل کعبه در آسمان چهارم است که به دلیل عبادت ملائکه در آن مکان آنجا معمور و آباد است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۴۷ و ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸: ۱۲۳).

نظرات دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که همه آنها با عنایت به این که در قرآن از «بیت المعمور» به عنوان قسم یاد شده حاکی از قداست آن مکان است ولی آن دیدگاه‌ها مرتبط با موضوع نیست (نک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۶، ص: ۳۹۷).

به نظر می‌رسد این احتمال که مراد از بیت المعمور کعبه باشد ارجح است زیرا اولاً «البیت المعمور» مورد سوگند خداوند قرار گرفته است و سوگند به چیزی می‌خورند که در نزد مردم شناخته شده باشد و اگر مورد دوم مراد باشد برای همه مردم شناخته شده نیست ثانیاً شواهد تاریخی حاکی از آن است که در گذشته کعبه به این نام خوانده می‌شده است (نک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۸: ۶۵).

به هر حال در این عبادت قرآنی مراد از «المعمور» آبادانی آن مکان مقدس است که پیرامون این که مراد از این آبادانی چیست در سطور پیش رو مطالبی خواهد آمد.

ج) سومین مورد از مشتقات اسمی ریشه «ع م ر» در قرآن واژه «عمره» است که به صورت نکره در قرآن استعمال نشده ولی به صورت معرفه یک بار در آیه «وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...» (بقره: ۱۹۶) آمده است.

مفسران مراد از «عمره» در آیه را زیارت دانسته و بروز معنای آبادانی و ترقی در آن را به چند طریق ذکر کرده‌اند:

- با عمل عمره کعبه آباد و دایر می‌شود (نک: طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۳۲۰ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۷ و طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۷۶). طبق این دیدگاه آبادانی و ترقی در معنای «عمره» به مفعول به که در اینجا بیت الله الحرام است بر می‌گردد.

- عمره زیارتی است که موجب پیدایش و ازدیاد محبت الهی و اخلاص در قلب بنده می‌شود (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۱) طبق این دیدگاه آبادانی و ترقی در معنای «عمره» به فاعل آن یعنی انسان بر می‌گردد.

- برخی مفسران هر دو مورد را ذکر کرده‌اند (نک: ابو زهره، بی تا، ج ۲: ۵۹۹).

به نظر می‌رسد نظر سوم ارجح است یعنی آبادانی و ترقی در اثر انجام «عمره» برای فاعل و مفعول به هر دو است علت ترقی برای مفعول به این است که در اکثر استعمالات ترقی به مفعول به بر می‌گشت که در اینجا بیت الله الحرام است.

و مؤید این که ترقی و پیشرفت در «عمره» به فاعل بر می‌گردد روایات فراوان در ثواب و فوائد معنوی «عمره» است یکی از روایاتی که مرتبط با بحث بوده و معنای آبادانی و ترقی را برای انجام دهنده عمره می‌رساند این است: «العمره إلى العمرة كفارة لما بينهما»، ترقی معنوی برای انسان در اثر انجام «عمره» با توجه به این روایت کفاره گناهان دانسته شده است البته به نظر مجلسی مراد، کفاره گناهان صغیره است زیرا کفاره کبائر اجتناب از آنهاست (نک: مجلسی، بی تا، ج ۹۶: ۵۰).

۴. شرط بهره‌مندی از ترقی معنوی حاصل از انجام «عمره»

تاکنون ثابت شد که در «عمره» هم ترقی و آبادانی برای بیت الله الحرام به وسیله عبادت انسان و هم پیشرفت معنوی برای انجام دهنده آن است؛ در قرآن شرط بهره‌مندی انسان از این پیشرفت معنوی خلوص نیت و انجام عبادتی خالصانه دانسته شده به این مطلب در دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) زمانی که زن و فرزندش را در این سرزمین سکنی داد اشاره شده که می-فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (ابراهیم: ۳۷) «پروردگارا! من بعضی از ذریه خویش را در دره‌ای غیر قابل کشت نزد خانه حرمت یافته تو سکونت دادم، پروردگارا! تا نماز بپا کنند...»

مفسران با استفاده از الفاظ آیه هدف از سکونت در آن سرزمین را تنها «عبادت» دانسته‌اند به این صورت که:
- مراد از «بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» این است که ابراهیم (علیه السلام) به مکانی غیر قابل کشت رفت برای این که بدون اشتغال به دنیا به عبادت خدا بپردازد (نک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۷۷).

- در «بَيْتِكَ» خانه به خدا نسبت داده شده که حاکی از آن است که این خانه برای عبادت ساخته شده و عبادت هم مخصوص خداست (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص: ۶۹۰).

- تکرار ندا (رَبَّنَا) می‌رساند که هدف اصلی آنان اقامه نماز بوده است نه سکونت در آن سرزمین (نک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۳۵۲).

به مورد اخیر باید این مطلب را اضافه کرد که هر چند در آیه هدف اصلی از سکونت در آن سرزمین تنها اقامه نماز بیان شده اما مراد بیان آن از باب ذکر جزء و اراده کل است زیرا بنا بر روایات از جمله «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَانْهَاهُ عَمُودِ دِينِكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) نماز ستون دین شناخته شده است.

شاهد دیگر مبنی بر این که تحقق معنای حقیقی عمره در سایه عبادت خالصانه است آیه «وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...» (بقره: ۱۹۶) است از این آیه می‌توان در اثبات تحقق معنای حقیقی حج و عمره در سایه عبادت خالصانه استفاده کرد اما به دلیل این که بحث این نوشته پرداختن به معنای «عمره» است از این جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این آیه قید «لِلَّهِ» آمده که دیدگاه‌های مفسران پیرامون این قید به قرار زیر است:
- مراد از قید «لِلَّهِ» قصد تقرب الهی است زیرا آن اعمال جزء عبادات هستند و در عبادات قصد تقرب به خدا ضروری است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۸ و طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۷۶).

- قید «لِلَّهِ» برای این است که شرک و منکراتی را که در جاهلیت با اعمال حج و عمره مخلوط شده بود باید از آن خارج کرد زیرا شیء مرغوب هنگامی که با ناخالصی مخلوط شد شایسته نیست که از آن دست برداشت بلکه می‌بایست ناخالصی آن را از بین برد (نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۷۱ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۱۶).

- علت این که «لِلَّهِ» آمده این است که فساد در آن از سائر اعمال عبادی سریعتر است (نک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۲۵).
قید «لِلَّهِ» برای نماز و زکات نیامده به دلیل این که در آن عبادات تقرب به اصنام تصور نمی‌شود ولی مشرکان در برخی اعمال حج و عمره به اصنامشان تقرب می‌جستند لذا آمدن قید «لِلَّهِ» لازم است (نک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۲۶ و قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۶۳).

- در جاهلیت عرب به منظور گردهمایی، فخرفروشی، رفع نیازمندی‌ها و شرکت در بازارهای تجاری به مکه می‌رفتند، خداوند دستور داد تا مردم تنها به قصد انجام یک عبادت خالصانه و پاک به آنجا بروند (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۸ و حقی بروسوی، بی تا، ج ۱: ۳۱۰).

جمع بندی دیدگاه‌های مفسران با وجود تفاوت در عبارت حاکی از یک مطلب است و آن این که در انجام این عمل عبادی، پرداختن به امور مادی به سهولت جنبه ترقی و عروج انسانی را از بین برده چه بسا نتیجه معکوس شود لذا قید «لِلَّهِ» توجه به خالصانه بودن این عبادت را گوشزد می‌کند.

در قرآن از یک طرف انجام عمل عمره از شعائر الهی خوانده شده بنابر آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ وَالْمَرْوَةَ وَ الْمُرُوءَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...» (بقره: ۱۵۸) همانا صفا و مروه دو نمونه از نشانه‌های خدا است پس هر کس حج خانه و یا عمره بجای آورد میتواند میان آن دو، سعی کند...» و از طرف دیگر در برخی آیات احترام گذاشتن به شعائر از نشانه‌های تقوای الهی دانسته شده در آیه «...مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ...» (حج: ۳۲) «... هر کس شعائر خدا را بزرگ و محترم شمارد بداند که این (بزرگداشت) صفتی از صفات دل‌های باتقوا است» با کنار هم گذاشتن دو آیه می‌توان نتیجه گرفت که بزرگداشت عمره از صفات دل‌های باتقوا است.

در تفسیر این آیه نیز برخی مفسران «تقوی القلوب» را صدق نیت (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۳۳) و برخی اخلاص قلوب معنا کرده‌اند (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۶۷ و میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۳۶۶).

اگر این عمل عبادی با شروط لازم‌هایش انجام شود پاداش آن شاکر بودن خداوند است «...فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ...فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۵۸) «پس هر کس حج خانه و یا عمره بجای آورد...خداوند شاکر و دانا است» مفسران مراد از شاکر بودن خداوند را پاداش دادن به اعمال (نک: قرشی بنائی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۸۹) و مبالغه در لطف خداوند به بنده دانسته‌اند (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۱۳۹).

پس سفر به خانه خدا، سیر الی‌الله است و در آن می‌بایست شخص نیت خالصانه داشته باشد و لباس هواهای نفسانی را از تن بیرون آورده لباس احرام بپوشد و در زمان قربانی کردن، نفس اماره و انانیت خود را ذبح کند و به این ترتیب به مقام «فنا فی الله» برسد، در آن زمان است که به ایمنی حقیقی یعنی «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» رسیده است. متأسفانه امروزه به دلیل جذابیت‌های بصری امور مادی از یک طرف و هجوم فرهنگی بیگانگان از طرف دیگر انجام «عمره» به معنای اصلی و واقعی کلمه کمرنگ شده لذا همت عالی‌های لازم است که عامل به آن عبادت با صیانت نفس در این سفر الهی توشه‌ای برای آخرت خود ذخیره کند و خواسته و ناخواسته با فرو رفتن در چشم اندازه‌های کاذب دنیوی به جای ترقی خود را در مهلکه سقوط نیندازد.

نتایج

۱. در کلام عرب اشتقاق «ع م ر» به صورت اسنادی معنای آبادی و ترقی متناسب با فاعل و مفعول را می‌رساند که در اکثر موارد ترقی برای مفعول به است و در صورتی که فاعل انسان و مفعول به خدا باشد معنای ترقی و پیشرفت برای فاعل یعنی انسان است نه مفعول به.
 ۲. در کلام عرب معنای ارزش و برتری در اسم‌هایی مانند «عمر» به معنی نخل مرغوب و «عمار» به معنی تاج و «عمر» به معنی مدت زندگی و عمره به معنای آباد کردن بیت الله الحرام بارز است.
 ۳. در قرآن اشتقاق «ع م ر» به صورت اسنادی، در صورتی که فاعل خدا و مفعول به انسان باشد به معنی عمر دادن خدا به انسان است و بروز معنای آبادی به این است که انسان می‌بایست از عمری که خدا به او داده در راه آبادی معنوی و سازندگی خود استفاده کند و در صورتی که فاعل انسان و مفعول به مکان مقدس باشد بروز معنای آبادی به این است که انسان با عبادت آن مکان را آباد می‌کند.
 ۴. یکی از اشتقاق‌های اسمی در قرآن «عمر» است و معنای آبادی در آن به این است که انسان از عمرش استفاده معنوی ببرد.
 ۵. بروز ترقی و آبادی در انجام عمل «عمره» در قرآن به دو صورت قابل تصور است اول این که این عمل موجب آبادی بیت الله می‌شود و به همین جهت به کعبه بیت المعمور گفته شده است و دوم انجام عمره موجب ترقی معنوی انسان، آبادانی و نشاط روح انسان می‌گردد.
- بنابر آیات شرط اصلی برای تحقق معنای واقعی «عمره» خلوص نیت در انجام این عبادت و مخلوط نکردن آن با امور دنیوی است.

منابع و مراجع

- ۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۶۷ ه.ش.
- ۲- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، ۳ جلد، دار العلم للملایین - بیروت، چاپ: اول، ۱۹۸۸ م.
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۵- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ۳۰ جلد، مؤسسه التاریخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۶- ابن عجبیه، احمد، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، ۵ جلد، حسن عباس زکی - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه.ق.
- ۷- ابو عبید، قاسم بن سلام، الغریب المصنف، ۲ جلد، الموسسه الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات بیت الحکمه - تونس، چاپ: اول، ۱۹۹۰ م.
- ۸- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۹- ابوجیب، سعدی، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، ۱ جلد، دار الفکر - دمشق، چاپ: دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۱۰- ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، ۱۰ جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ۱۱- بلاغی، عبدالحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ۷ جلد، حکمت (چاپخانه) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۶ ه.ق.
- ۱۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۱۳- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ۶ جلد، موسسه انتشارات هجرت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۱۴- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، ۱۰ جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ۱۵- حیدری، محمد، معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، ۱ جلد، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار القلم - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

- ۱۷- رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، ۱۲ جلد، دار المعرفه - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۱۸- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ۳۲ جلد، دار الفکر - سوریه - دمشق، چاپ: ۲، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، دار الکتب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۲۰- شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، الفواتح الإلهیه و المفاتیح الغیبیه: الموضحه للكلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة، ۲ جلد، دار رکابی للنشر - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۹۹۹ م.
- ۲۱- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم (صدر)، ۷ جلد، بیدار - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۳۶۱ ه.ش.
- ۲۲- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه.ق.
- ۲۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر، ترجمه تفسیر طبری، ۷ جلد، توس - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۳۵۶ ه.ش.
- ۲۵- طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱۵ جلد، نهضة مصر - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۹۹۷ م.
- ۲۶- علوی مقدم، محمد، حج در قرآن، ۱ جلد، مشعر - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۲۷- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۲ جلد، مرتضوی - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۲۸- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۹ جلد، نشر هجرت - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۳۰- قاسمی، جمال الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، ۹ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۳۱- قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ۱۲ جلد، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۳۲- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۱ ه.ش.

- ۳۳- قطب، سید، فی ظلال القرآن، جلد ۶، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ: ۳۵، ۱۴۲۵ ه.ق.
- ۳۴- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰ جلد، کتابفروشی اسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳ ه.ش.
- ۳۵- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، ۱۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ۳۶- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، ۱۰ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: ۳، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۳۷- مشکینی اردبیلی، علی، مصطلحات الفقه و معظم عناوینہ، ۱ جلد، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث سازمان چاپ و نشر، ایران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ۳۸- مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، ۸ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۳۹- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۳ ه.ق.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۴۱- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ۱۰ جلد، امیر کبیر - ایران - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۴۲- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۴۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، ۲۱ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۶ ه.ش.